

الحمد لله
البرحمين!



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

دانشکده کشاورزی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.Cs)

رشته اقتصاد کشاورزی

عنوان:

بررسی اثر مخارج دولت بر رشد بخش کشاورزی

استاد راهنما:

پروفسور بهاء الدین نجفی

استاد مشاور:

دکتر سید نعمت اله موسوی

نگارش:

الهام حاتمی

زمستان 91



صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.Sc.)

نام و نام خانوادگی دانشجو: الهام حاتمی در رشته‌ی مهندسی کشاورزی - اقتصاد کشاورزی

پایان نامه تحت عنوان:

بررسی اثر مخارج دولت بر رشد بخش کشاورزی

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد M.sc.

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه نمره در تاریخ 1391/10/14.

پروفسور بهاءالدین نجفی استاد راهنما امضاء

دکتر سید نعمت الله موسوی استاد مشاور امضاء

دکتر فرزانه طاهری داور داخلی امضاء

دکتر فرج زاده داور خارجی امضاء

مراتب فوق مورد تایید است.

امضاء: معاونت پژوهشی

تقدیم به پدر و مادر:

سایه بانان آرامش

تکیه گاهان زندگی

زیباترین آفرینش های خالق

دو رشته محبت زندگی

به آنان که یاریم کردند تا بیاموزم

و

تقدیم به همسر، خواهران و برادرانم، که به دلگرمی وجودشان گام بر

می دارم.

تشکر و قدردانی:

بدین وسیله از زحمات استاد گرامی و ارجمند، جناب آقای دکتر نجفی که راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته اند، و همواره وقت و معلوماتشان را بی دریغ در اختیار انجام این تحقیق قرار دادند، بی نهایت سپاسگذارم و نیز از استاد مشاور جناب آقای دکتر موسوی که بنده را از راهنمایی های ارزشمندشان بهره مند ساختند، کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

از استاد محترم داور، جناب آقای دکتر فرج زاده به خاطر حضور در جلسه دفاعیه و رهنمودهای باارزششان کمال تشکر را دارم.

در نهایت بر خود واجب می دانم که از هیأت علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت و مدیر تحصیلات تکمیلی این گروه و همچنین از اساتید ارجمندم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج کمال امتنان را داشته باشم.

کلیه حقوق مادی مرتبط بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوریهای ناشی از تحقیق موضوع
این پایان نامه متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی
واحد مرودشت است.

فهرست مطالب

| | |
|---------|--|
| 1..... | چکیده |
| 2..... | فصل اول |
| 3..... | مقدمه |
| 4..... | 1-1 تعریف مسأله و بیان سؤال های اصلی تحقیق |
| 5..... | 2-1 ضرورت انجام تحقیق |
| 5..... | 3-1 فرضیه های تحقیق |
| 6..... | 4-1 اهداف تحقیق |
| 6..... | 5-1 تعریف دولت و ماهیت آن |
| 9..... | 6-1 تعریف و مفهوم اقتصادی دولت |
| 12..... | 7-1 - بررسی نظریه ها و مکاتب اقتصادی با تأکید بر جایگاه دولت |
| 12..... | 1-7-1 مرکانتیلیسم |
| 15..... | 2-7-1 مکتب فیزیوکراسی |
| 19..... | 3-7-1 مکتب کلاسیک |
| 32..... | 4-7-1 مکتب ناسیونالیسم اقتصادی |
| 34..... | 5-7-1 مکتب لیبرالیسم (آزادی طلبی) |
| 38..... | 6-7-1 مکتب نئوکلاسیک |
| 39..... | 8-1 - پیشینه پژوهش: |

| | |
|---------|--|
| 41..... | 1-8-1 تحقیقات انجام شده در سایر کشورها |
| 50..... | 2-8-1 تحقیقات انجام شده در ایران |
| 55..... | فصل دوم |
| 56..... | 1-2-1 روش تحقیق |
| 62..... | 2-2-2 گرد آوری اطلاعات |
| 63..... | فصل سوم |
| 64..... | 1-3-1 نتایج برآورد الگوی رشد بخش کشاورزی |
| 71..... | 2-3-2 نتیجه گیری |
| 72..... | 3-3-3 پیشنهادها |
| 73..... | فهرست منابع |

فهرست جداول

- جدول (3-1) نتایج آزمون ایستایی متغیرهای الگوی رشد بخش کشاورزی ایران 65
- جدول (3-2) نتایج حاصل از برآورد الگوی بلند مدت رشد بخش کشاورزی ایران 66
- جدول (3-3) نتایج حاصل از برآورد مدل تصحیح خطای رشد بخش کشاورزی 68
- نمودار (3-1) آزمون پایداری ضرایب (CUSUM) 70

چکیده

تأثیر مخارج دولت بر رشد بخش کشاورزی در چند دهه اخیر توجه زیادی از اقتصاد دانان را به خود جلب کرده است. سیاست‌های مالی و پولی ابزارهایی هستند که دولت‌ها می‌توانند از طریق آن‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی همانند سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال، مصرف بخش خصوصی، صادرات، واردات و سطح عمومی قیمت‌ها و در نتیجه بر رشد بخش کشاورزی به صورت مستقیم و غیر مستقیم اثر گزارند. اهداف اصلی در این پژوهش تعیین میزان تاثیر مخارج دولت بر رشد بخش کشاورزی می باشد. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از منابع کتابخانه ای و پایگاههای اطلاعاتی بانک مرکزی ایران و مرکز آمار ایران برای دوره 1355 تا 1389 جمع آوری شده است. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در بلندمدت تأثیر ضریب متغیر نسبت مخارج سرمایه گذاری بخش دولتی در بخش کشاورزی به ارزش افزوده این بخش بر رشد بخش کشاورزی مثبت و به لحاظ آماری معنی دار می باشد. مطابق نتایج بلند مدت و کوتاه مدت، ضریب متغیر رشد اشتغال نیروی کار بخش کشاورزی، مثبت و از لحاظ آماری معنی دار بدست آمده است. همچنین تأثیر متغیر مجازی جنگ بر رشد کشاورزی در بلندمدت دارای ارزش آماری است. نتایج الگوی تصحیح خطای رشد بخش کشاورزی نشان داد که در کوتاه مدت متغیرهای نسبت مخارج سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش کشاورزی به ارزش افزوده این بخش، مخارج سرمایه گذاری بخش دولتی در بخش کشاورزی به ارزش افزوده این بخش و متغیر رشد اشتغال اثر معنی داری به لحاظ آماری بر رشد بخش کشاورزی دارند و سایر متغیرها فاقد تأثیر معنی دار هستند.

فصل اول

مقدمه

تأثیر مخارج دولت بر رشد بخش کشاورزی در چند دهه اخیر توجه زیادی از اقتصاد دانان را به خود جلب کرده است. به طور نظری، اگر بخش دولتی از کارآمدی کمتری نسبت به بخش خصوصی برخوردار باشد، اندازه بزرگتر دولت منجر به رشد کندتر اقتصادی خواهد شد. اما اگر بخش دولتی کالاهای اساسی عمومی را که تولیدکنندگان بخش خصوصی قادر به فراهم سازی آن نیستند، فراهم سازد، در نتیجه اندازه بزرگتر دولت به رشد سریعتر اقتصادی منجر خواهد شد.

اقتصاددانان مهمترین وظایف دولت را وظایف ذاتی آن در امنیت، بهداشت و آموزش می دانند. برخی این وظایف را برای دولت کافی ندانسته، برای حفظ تعادل اقتصادی، دخالت دولت در اقتصاد را به دلیل شکست بازار، ضروری می دانند. در مقابل، برخی دخالت دولت را مداخله گرایانه و محدود کننده آزادی و انتخاب به حساب آورده و آن را عامل غیرکارآمدی و رانتی شدن دولت قلمداد می کنند. که از این رهگذر، نظریه شکست دولت مطرح می شود. در اقتصاد ایران، دولت سهم بسیار بالایی از اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده است و به تناسب این ساختار، مخارجش هر ساله در طی سالهای اخیر، افزایش پیدا کرده است. از جهت دیگر، گسترش ضروری خدمات عمومی، دولت ها را مجبور ساخت که خود به صورت

عاملی اقتصادی درآیند و در مواردی به تولید نیز دست زدند. حکومت‌های امروزی، با توجه به حجم تولید ملی که در چارچوب بخش دولتی صورت می‌گیرد و با در نظر گرفتن ملاحظه آنان در بخش خصوصی، هدایت آن در مسیری خاص بصورتی گوناگون، ابزار بسیار قدرتمندی در کنترل و هدایت اقتصاد کشورها به طرز نسبتاً قاطع در دست دارند. علاوه بر این، تحقق این فرایند شرطی اجتناب ناپذیر در توسعه کشورها به صورتی همگن و با برنامه ریزی کارا و مؤثر به شمار می‌رود.

ویژگی این تحقیق تخمین روابط پویای کوتاه مدت و همچنین روابط بلند مدت بین اجزای مخارج دولت و رشد بخش کشاورزی می‌باشد که این امر به برنامه ریزی مخارج دولت در کوتاه مدت و بلندمدت برای دستیابی به رشد بخش کشاورزی بهتر، کمک شایانی خواهد کرد.

1-1 تعریف مسأله و بیان سؤال های اصلی تحقیق

ارتباط بین رشد بخش کشاورزی و هزینه دولت، یا به طور کلی تر، اندازه بخش عمومی، یک موضوع مهم تحلیلی و اساسی است. دیدگاه کلی این است که، مخارج عمومی به طور قابل ملاحظه ای با تأثیر بر زیر ساختار فیزیکی یا سرمایه ای انسانی، می‌تواند رشد بخش کشاورزی را متأثر سازد. فعالیت دولت ممکن است به طور مستقیم، یا به طور غیرمستقیم از طریق تعامل با بخش خصوصی، باعث افزایش محصول شود. ماهیت تأثیر مخارج عمومی بر رشد، به ترکیب آن بستگی دارد. به گونه ای که با وجود مطالعات تجربی فراوان، یک ارتباط معنی داری بین هزینه ی عمومی و رشد، در یک جهت مثبت یا منفی وجود ندارد. در این مورد نتایج، بسته به: کشور یا ناحیه، متد جبری (روش تحلیل) و دسته بندی مخارج عمومی، متفاوت هستند. رابطه ی بین هزینه دولت و رشد، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه مهم است. بیشتر از همه، آن هایی که افزایش سطوح مخارج عمومی را در سراسر زمان تجربه کرده اند. بررسی رابطه بین هزینه ی دولت و رشد بخش کشاورزی در ایران از دو جنبه مهم است. یکی اینکه کشور ایران هم

در رده ی کشور های در حال توسعه بوده و هم با افزایش سطوح مخارج عمومی در اکثر زمان ها مواجه بوده است؛ لذا آگاهی از تأثیرات این مخارج بر رشد بخش کشاورزی، برای جهت دهی بهتر آن دسته از مخارج که تأثیر مثبت روی رشد بخش کشاورزی دارند و تعدیل مخارجی که تأثیر منفی روی رشد دارند و تفکیک مخارجی که احتمالاً روی رشد بی تأثیر خواهند بود؛ یک نیاز حیاتی و اساسی است. دیگر اینکه با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران و ابلاغ سیاست های کلی اصل 44 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ یکی از اهداف کلیدی در افق برنامه ریزی، مشارکت بیشتر بخش خصوصی و کاهش تصدی دولت است. لذا تعیین اثربخشی مخارج دولت بر رشد بخش کشاورزی در طول سال های گذشته به تفکیک نوع هزینه های دولت، اعم از هزینه های جاری و سرمایه ای بسیار با اهمیت است.

1-2- ضرورت انجام تحقیق

یکی از مهمترین اهداف هر نظام اقتصادی رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی است و با توجه به این که بخش کشاورزی یکی از مهمترین بخش های اقتصادی کشور است، بنابراین رشد و توسعه این بخش همواره مد نظر سیاست گذاران و تصمیم گیران بوده است. در این راستا دولت هر ساله اقدام به برنامه ریزی و صرف مخارجی جهت توسعه این بخش می کند. از این نظر شناسایی عوامل رشد بخش کشاورزی از دیر باز یکی از موضوعاتی است که همواره مد نظر صاحب نظران این امر بوده است.

1-3- فرضیه های تحقیق

سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش کشاورزی بر رشد بخش کشاورزی تأثیر مثبت دارد.

سرمایه گذاری دولتی در بخش کشاورزی بر رشد بخش کشاورزی تأثیر مثبت دارد.

مخارج دولت در بخش کشاورزی بر رشد بخش کشاورزی اثر مثبت دارد.

1-4 اهداف تحقیق

- 1- بررسی اثر مخارج دولت بر رشد بخش کشاورزی.
- 2- بررسی سرمایه گذاری بخش خصوصی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی.
- 3- بررسی اثر سرمایه گذاری دولتی بر رشد بخش کشاورزی

1-5 تعریف دولت و ماهیت آن

مفهوم دولت (state) تا سده شانزدهم رواج سیاسی نیافته بود. نخستین کاربرد آن در بحث علمی و نیکولو ماکیاولی (1527-1469) نسبت داده می شود. برای یونانی ها این مفهوم شناخته شده نبود. آن ها به جای آن واژه «پولیس» را به کار می بردند که می توان آن را «شهر - دولت» نامید. در شهر - دولت های کاملاً نزدیک و کوچک یونان باستان به بهره مندی از حقوق و اجتماع تأکید می شد و سلطه و اطلاعات مورد توجه نبود. به گفته کاتلین بهتر است آن ها را «اجتماع شهری» بنامیم تا دولت. «شهرهای» روم نیز از بهره مندان از حقوق و وظایف مدنی کامل جانبداری می کردند. بنابراین شهر - دولت های یونان و روم گردهمایی بسیار همبسته گروهی بودند که به استثمار بردگان زندگی می کردند.

مفهوم دولت نو در بخش عمده اروپای سده های میانه نیز وجود نداشت. طی این دوره تفکر سیاسی درباره امپراتور و حکومت شاهزادگان بود. در پایان های سده های میانه، مفهومی از دولت به تدریج پدیدار می شد؛ اما به خوبی مشخص نبود، و زمانی کاربرد یافت که دولت از آن مردم نبود و حاکمیت به شاهان تعلق داشت. در آن زمان، دولت را با اقتدار عالی برابر می دانستند؛ اما گاه به «نهادهای اجتماعی هم اشاره داشت». در گذر زمان، دولت گذشته از اصول و راستاها، مفهوم طبیعی اقتدار ناب و ساده، یا تأسیس را پیدا کرد.

دربارهٔ جامعهٔ مدنی یا دولت از همان آغاز تفکر سیاسی اختلاف عقیده وجود داشته است. برای مثال، سوفسط‌های یونان باستان، که فلسفهٔ سیاسی اروپا از آن‌ها آغاز شد، جامعه مدنی را قراردادی می‌دانستند. اما متفکران بعدی مانند افلاطون (347-428 قبل از میلاد) و ارسطو (322-384 ق.م.) با این نظر موافق نبودند. برای مثال، ارسطو، «پولیس» را طبیعی و ضرور تلقی می‌کرد و می‌گفت «پولیس» از غرایز طبیعی انسان ظهور می‌کند؛ محصول و نیز اوج نیاز انسان به زندگی اجتماعی است، و برای رشد جنبه‌های گوناگون انسان ضرور است. از نظر او، فردی که بیرون از «پولیس» زندگی کند یا فروتر از آدمی است یا برتر از او، و موجود طبیعی بشری نیست. ایده آلیست‌های نوی سده‌های هجدهم و نوزدهم، مانند روسو، کانت، هگل، گرین¹ و بوسانکه² کم و بیش با این نظر موافق بودند. آن‌ها دولت را نهادی اخلاقی می‌دانستند که برای رشد کامل اخلاقی انسان غیر قابل صرف نظر است. آلتوسیوس³ و گروسیوس⁴ نظریات همانندی با آن‌ها داشتند و دولت را تأسیسی عمومی برای ارتقای رفاه بشر می‌دانستند و همین نظر در پیدایش مفهوم دولت رفاه، که به طور عمده فقط برای جامعه‌های وفور تناسب و اعتبار دارد، مؤثر بود.

از سوی دیگر، کسانی معتقد بوده‌اند که دولت آزادی طبیعی فرد را محدود می‌کند و در بهترین حال، شر ضرور است. یکی از متفکران برجسته معتقد به چنین نظری هربرت اسپنسر (1820-1903) فیلسوف انگلیسی بود که عقیده داشت دولت «شرکت سهامی مشترک بیمه متقابل» است و عضویت در آن باید آزاد و انتخابی باشد. او بر آن بود که دولت می‌تواند و باید به شهروندان خود اجازه دهد از حقوق تبعه بودن آزاد باشند و نیز بار سنگین وظایف تبعه بودن را از دوش براندازند.

1 Green
2 Bosanquest
3 Althusius
4 Grotius

در حد افراطی دیگر، آنارشیست‌های فلسفی مانند پرودون (1809-1865) و کروپتکین (1921-1842) معتقد بودند دولت شر مطلق است. آن‌ها با بودن دولت (یا حکومت) به کسی کمک کرده باشد، اما به ندرت به سود عامه مردم بوده است؛ و بنابراین هر چه زودتر از بین برده شود رنج و عذاب انسان کمتر خواهد شد. در اینجا باید اشاره کرد که ماکیاوولی و تریشکه نیز بر زمینه‌های دیگری، دولت را به مثابه نظام قدرت. از مجموع نظرات ارائه شده و با توجه به عملکرد دولت‌ها می‌توان چند ویژگی را برای دولت استخراج کرد:

1- در انحصار داشتن قدرت برای اعمال زور؛

2- حق و صلاحیت (انحصاری) برای اعمال سیاست هم در داخل و هم در خارج از کشور؛

3- داشتن حق انحصاری وضع و اجرای قانون؛

4- سازماندهی نیرو در طول مرزها و تأمین امنیت داخلی و خارجی؛

5- حق انحصاری اخذ مالیات و حقوق گمرکی و تهیه و تدارک بودجه ملی.

1-6 تعریف و مفهوم اقتصادی دولت

به طور کلی، دولت یک مفهوم حقوقی و سیاسی است. کسانی که دولت را یک مفهوم اقتصادی می‌دانند، اشتباه می‌کنند. دولت با اقتصاد فقط رابطه دارد. کسانی که دولت را به مفهوم اقتصادی تعریف می‌کنند، در واقع وظایف و نقش دولت را تعریف کرده‌اند و نه خود دولت را. ولی وظایف و نقش دولت تنها اقتصادی نیست، بلکه وظیفه و نقش سیاسی هم دارد؛ پس تعریف اقتصادی دولت نمی‌تواند یک تعریف جامع و مانع، حتی برای وظایف و نقش آن باشد.

ماتریالیست‌ها، مخصوصاً کمونیست‌ها، مفهوم اقتصادی دولت را در نظر دارند. اقتصاد را عین دولت نمی‌دانند، ولی آن را برجسته‌ترین نقش برای دولت دانسته، عقیده دارند که جنبه اقتصادی دولت سایر جنبه

های آن را تحت الشعاع قرار می دهد. هر دولتی، وسیله استفاده طبقه حاکمه برای تحکیم و تقویت سلطه اقتصادی او به کمک وسایل سیاسی است. در اینجا نقش سیاسی دولت که در نظر «ژان دابن» نقش اصلی دولت محسوب می شود، به صورت یک نقش کمک کننده به عامل اقتصادی جلوه کرده است و وقتی در تعریف حقوق از نظر سوسیالیسم می خوانیم "حقوق عبارت است از ساختمان محافظ اقتصاد"، بیشتر به نقطه نظر اقتصادی سوسیالیست های مارکسیست پی می بریم.

به طور کلی، کسانی که مفهوم اقتصادی دولت را در نظر دارند، منکر مفاهیم سیاسی و حقوقی دولت نیستند، به این دلیل سیاست و حقوق را در استخدام اقتصاد فرض می کنند، زیرا که اقتصاد را نقطه شروع نقش و وظیفه دولت می دانند و به عنوان صفت مشخصه و بارز دولت توجیه می کنند. بنابراین نمی توان به طور کلی اظهار نظر کرد که مفهوم اقتصادی دولت صحیح نیست و قابل رد است، بلکه باید در بعضی جهات این توجیه را قبول کرد و اذعان داشت که دولت دارای مفهوم اقتصادی بسیار نیرومندی است. در عقاید مارکسیسم، هدف دولت نیز اقتصادی است. آن ها عقیده دارند که دولت برای یک هدف اقتصادی طبقاتی تشکیل می شود.

اگر مفهوم اقتصادی دولت تعیین کننده نقش و وظیفه آن باشد، در نتیجه تعریف دولت به مفهوم اقتصادی مطلق، صحیح نیست. به قول جان لاک¹ (1632-1704) که می گوید: "هدف دولت حصول آرامش، تأمین صلح و ایجاد امنیت و تهیه موجبات رفاه افراد جامعه است"، هدف بارز دولت را بیشتر جلوه گر نماید.

1 - John Locke

کارل مارکس¹ (1818-1883) می گوید: " دولت اساساً آلت سرمایه دار یا ارگان کاپیتالیست و ابزار کشمکش طبقاتی می باشد و نیروئی است که به وسیله آن طبقات تحت استثمار، در زنجیر انقیاد و بندگی گرفتار آمده اند."

لنین² (1870-1924) در رساله دولت و انقلاب، دولت را این طور تعریف می کند: " دولت محصول آشتی ناپذیر بودن طبقات و خصومت طبقاتی است. وجود دولت به خودی خود ثابت می کند که دشمنی های طبقاتی، غیر قابل التیام بوده، سازش میان طبقات غیر ممکن است. دولت آلت استثمار طبقات ستمکش است. قدرتی است که از جامعه برخاسته و خود را مافوق جامعه قرار داده و بیش از پیش از آن فاصله گرفته است. از صفات ممیزه دولت، یکی دسته بندی و تقسیم اتباع دولت بر اساس تقسیمات اراضی و دیگر تأسیس نیروی مسلح است. وجود نیروی مسلح خود دلیل وجود شکاف بین طبقات اجتماعی مردم می باشد. جلوگیری دولت از مسلح شدن تمام مردم دلیل بر وجود طبقات متخاصم و آشتی ناپذیر میان طبقات مردم است."

اگر هر یک از تعاریف فوق را که از هدف و نقش اساسی دولت به دست آمده است قبول کنیم، معذک این حقیقت را باید اعتراف نمود که دولت نمی تواند فی نفسه یک مفهوم اقتصادی مطلق باشد؛ بلکه نیرویی و یا به قول لنین، آلت و وسیله ای است در دست یک طبقه، یا تمام طبقات و یا جامعه بدون طبقه؛ منتهی این نیرو (به قول مارکس) یا آلت (به قول لنین) ممکن است در راه یک هدف اقتصادی خاص صرف شود.

1 - Karl Marx

2 - Vladimir Ilyich Lenin